Einen Kater haben یک خماری پس از مستی داشتن

written by مرتضی غلام نژاد | اکتبر 24, 2016

Einen Kater haben

یک خماری پس از مستی داشتن

شرح کوتاه از ترجمه عنوان داستان :
البته der Kater در واقع گربه ی نر می باشد ، اینگونه در آلمانی تصویر سازی می شود که آدم پس از اینکه الکل مصرف میکند و بعد از آن سر درد یا خماری میگیرد ، انگار گربه ی به روی سر آدم نشسته است ? که ما در فارسی به این حالت می گویم خماری پس از مستی

Es fängt meistens so an: Die Party ist gut, alle Freunde sind da, der Alkohol fließt, die Stimmung steigt. Es ist seit langer Zeit die beste Party! Aber irgendwann wacht man auf, und er ist da! Wer hat ihn bloß gerufen?

آن اغلب اینگونه شروع می شود ، آن پارتی خوب است ، همه دوستان حضور دارند ، الکل می ریزند و جریان دارد ، آن حال و هوا اوج میگرد
بعد از مدت ها زمان بهترین پارتی است. اما یک وقتی آدم بیدار می شود و او آنجاست ، چه کسی فقط او را صدا کرد ؟ (منظور از آن همان خماری پس از مستی است)

Marie war gestern mit ihren Freunden aus. Eigentlich wollten sie irgendwo gemütlich sitzen und ein Bier trinken.

ماری دیروز با دوستانش به قصد تفریح از خانه بیرون رفتن ، در واقع آنها می خواستن یک جایی دنجی بنشینند و یک آبجو بنوشند.

Doch dann kamen immer mehr Freunde dazu, und am Ende landeten alle auf einer coolen Party.

اگر چه پس از آن همیشه دوستان بیشتری می آیند و در آخر هم همه به یک پارتی باب طبع رفتند.
Der DJ legte genau die richtige Musik auf, die Stimmung war fantastisch, und irgendwie hatte Marie andauernd einen neuen Drink in der Hand.

دی جی دقیقا آن موزیک درست را گذاشته بود ، و فضا رویایی بود و هر طوری که بود ماریا دائما یک نوشیدنی جدید در دست داشت.

Wann sie genau nach Hause kam, weiß sie heute Morgen nicht mehr, aber … aua … diese Kopfschmerzen! Die müssen doch wirklich nicht sein!

کی او دقیقا به خانه آمده ، او امروز صبح چیزی دیگه نمیدونست ، اما آه .. این سر درد ، اون واقعا نباید وجود داشته باشد.

Und … aua … jetzt klingelt auch noch das Telefon. „Hallo, Marie?“ Es ist Bettina, Maries Freundin. „Ich wollte nur wissen, ob es dir gut geht und du gestern gut nach Hause gekommen bist.“

و آه ... اکنون هم تلفن زنگ میخورد ، سلام ، ماری؟ ، من بِتینا هستم ، (دوست ماری) ، می خواستم فقط بدونم ، که آیا حالت خوبه ؟ و دیروز راحت به خانه رسیدی؟

„Ach ja ...“, seufzt Marie: „... alles gut. Wenn nur diese Kopfschmerzen nicht wären. Und mein ... Magen erst

آه بگی نگی ، ماری آه میکشد ... همه چیز خوب است ، اگه فقط این سردرد نمی بود و تازه معده ام ...

Ich glaube, das letzte Bier war schlecht.“ Bettina lacht: „Tja, da hast du wohl einen richtigen Kater! Trink viel Wasser und iss was Salziges. Gute Besserung!“

باور دارم ، آخرین آب جو نامرغوب بود ، بِتینا میخندد ، آره خوب (اره جون عمت ?) بنابراین تو یک خماری درست حسابی بعد از مستی داری ، آب زیاد بنوش و یک چیز شور مزه بخور ، برات آرزو سلامتی میکنم.

Marie legt auf. Auf diesen Kater könnte sie gut verzichten. In Maries Fall ist das nämlich kein süßes Haustier, sondern die Bezeichnung für die schmerzhaften Folgen von zu viel Alkohol.

ماری تلفن را میگذارد ، از آن خماری پس از مستی می تواند او به خوبی چشم بپوشد ، در مورد ماری به عبارت دیگر هیچ حیوان خانگیِ بامزه ی نیست . جدا از اینکه آن علامت برای سر درد ، از نوشیدن زیاد الکل نشات میگیرد.

شرح کوتاه از ترجمه :
منظور این است اگر چه ماری الکل زیاد مصرف کرده و آن گربه بالا سرش یا همان خماری پس از مستی به همین دلیل است ، اما جدا از این او دیگر هیچ حیوان خانگی براش بامزه نیست چون یک گربه بد جنس الان به روی سرش است.

„Aua! Ich werde nie wieder trinken!“, sagt Marie. „Das werden wir sehen ...“, sagt der Kater.

ماری میگه : من هیچ وقته دیگه مشروب نمیخورم
خماری پس از مستی یا همان گربه نر میگه : حالا خواهیم دید ?

ترجمه : مرتضی غلام نژاد